

دکتر کنت متیوز، سفر پیدایش، جلسه ۱

مقدمه

کنت متیوز و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر کنت متیوز در حال تدریس در مورد کتاب پیدایش است. این جلسه اول، مقدمه است.

سوالاتی که می‌توانیم با آنها شروع کنیم عبارتند از: چرا کتاب پیدایش را مطالعه کنیم و چرا پیدایش مهم است؟ خب، ساده است، اما فکر می‌کنم بهترین دلیل این است که برای خدا مهم است.

خدا تصمیم گرفته است که خود را به ما بشناساند تا بتواند با ما رابطه برقرار کند. از آنجا که او عشق خود را برانگیخته است، خدا به شدت، به شدت شخصی است. و او، همانطور که از پیدایش درمی‌یابیم، ما را، زن و مرد، آفریده است تا انسان باشیم، با خدا تعامل داشته باشیم، ارتباط برقرار کنیم و به او عشق بورزیم و عشق او را به خود تجربه کنیم.

بنابراین، برای انجام این کار، پیدایش به ما می‌گوید که او از نقشه‌ای پرده برمی‌دارد که به موجب آن این امر را ممکن می‌سازد. و به دلیل شکستگی زندگی ما از طریق گناه و روابط از هم گسیخته‌مان، او گامی برمی‌دارد تا نجات‌دهنده‌ای به ما عطا کند. و بنابراین، ما در پیدایش وعده نجات‌دهنده‌ای را می‌یابیم که خواهد آمد و ما را به خدا باز خواهد گرداند و این روابط از هم گسیخته‌ای را که با یکدیگر داریم، التیام خواهد بخشید.

و البته، آن دسته از ما که خوانندگان مسیحی کتاب پیدایش هستیم، اذعان داریم که اگرچه پیدایش آمدن، یک نجات‌دهنده را پیش‌بینی می‌کند، اما این امر از طریق پسر خود خدا که در شخص عیسی مسیح آمد محقق شده است. و این همان نجات‌دهنده‌ای است که به ما وعده داده شده است. خب، به عنوان مقدمه، ما زمینه‌ای داریم که در تفسیر صحیح کتاب پیدایش بسیار مفید است.

این یک جهت‌گیری در این جلسه اول است. و من در این جهت‌گیری در مورد پنج مورد صحبت خواهم کرد. اول، عنوان پیدایش.

دوم، پیام اصلی کتاب پیدایش. و سپس ساختار، اسفار پنجگانه و تورات به عنوان زمینه. و در آخر، به روشی که باید نویسنده و زمینه کتاب پیدایش را درک کنیم، خواهیم پرداخت.

اول، عنوان انگلیسی «پیدایش». «این کلمه از کلمه یونانی به معنای «ریشه‌ها» گرفته شده است، که عنوان ترجمه یونانی عهد عتیق معروف به «سبعینی» است. عنوان عبری در واقع اولین کلمه عبری کتاب پیدایش است و آن «برشیت» است، به معنای «در آغاز» همانطور که در ترجمه انگلیسی آمده است.

عنوان یونانی و عبری هر دو، محتوای کتاب پیدایش را توصیف می‌کنند. بسیاری از اوقات، مردم از پیدایش، به عنوان کتاب آغازها یاد می‌کنند. کاملاً واضح است که وقتی صحبت از پیام دوم، پیام اصلی، می‌شود، می‌توانیم آن را در دو کلمه خلاصه کنیم، آغازها و برکات.

خب، کاملاً واضح است که چرا آغازها برای کتاب پیدایش مناسب هستند، با توجه به اینکه تقریباً هر چیزی که در فصل‌های پیدایش یافت می‌شود، به نحوی یک آغاز است. با این حال، کلمه آغاز، مفهومی مهم‌تر و عمیق‌تر از صرفاً شروع کردن دارد. و این یعنی، اگر شما در حال شروع هستید، پس این امر مستلزم یک پایان است.

چیزی که در مورد پیدایش کشف می‌کنیم این است که اگرچه ممکن است آغاز یا آغاز چیزی در ذهن ما باشد، اما همچنین جهت‌گیری به سمت یک نتیجه یا پایان است. و از این نظر، بنابراین، پیدایش در پیام خود به فراتر از خود نگاه می‌کند. و همچنین، می‌توانیم بگوییم، با استفاده از اصطلاحی که اغلب در بین متکلمان یافت می‌شود، این کتاب فرجام‌شناختی است زیرا پیش‌بینی می‌کند که یک راه‌حل نهایی برای چالش‌های بسیاری که در رابطه بین خدا و خلقت او و چالش‌های بسیاری که ما با شکستگی خود، گناهکاری خود و سپس روابطی که تحت تأثیر آن با دیگران قرار می‌گیرد، پیش می‌آید.

کلمه برکت نیز برای آشکار کردن پیام اصلی پیدایش بسیار مهم است. کلماتی که به برکت مربوط می‌شوند مانند برکت دادن و متبرک شدن، همه این کلماتی هستند که با ایده برکت مرتبط هستند و بیشتر از هر کتاب دیگر کتاب مقدس در پیدایش یافت می‌شوند. بنابراین، این کلمه یک ایده موضوعی خاص به خود می‌گیرد.

در همین راستا، فکر می‌کنم که ما در اوایل سفر پیدایش سه برکت برنامه‌ریزی شده پیدا می‌کنیم. منظور من از برنامه‌ریزی شده این است که به نظر می‌رسد خدا یک برنامه، یک پروژه را اعلام و رونمایی می‌کند، که به موجب آن او قرار است همه مردم را برکت دهد. و این با آنچه در فصل اول، آیه ۲۸ می‌یابیم، آغاز می‌شود.

من از نسخه بین‌المللی جدید می‌خوانم. فکر می‌کنم هر ترجمه استاندارد می‌کند که کافی باشد. پس از اینکه در آیات ۲۶ و ۲۷ اشاره می‌کند که مردان و زنان به تصویر خدا آفریده شده‌اند، در آیه ۲۸ می‌گوید که خدا آنها را برکت داد و به آنها گفت.

اکنون مجموعه‌ای از نصایح داریم که توصیف‌کننده‌ی نعمتی است که خداوند به زندگی بشر عطا کرده است. بارور و کثیر شوید. زمین را پر کنید، بر آن تسلط یابید، بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بر هر موجود زنده‌ای که بر زمین حرکت می‌کند، حکومت کنید.

بنابراین، اولین جنبه این نعمت، رابطه‌ی آن چیزی است که ما از آن لذت می‌بریم با خدا. زیرا در آیه ۲۸ توجه کنید که می‌گوید خدا با خانواده‌ی بشری سخن گفت. و این، باز هم نشان می‌دهد که خدا می‌خواهد خود را آشکار کند، خود را به بشریت بشناساند.

و بنابراین، خدا که شخصی است، همانطور که کشف خواهیم کرد، با کسانی که به تصویر او آفریده شده‌اند صحبت می‌کند. این تصویر شامل این ایده است که مردان و زنان اشخاصی هستند که توسط خدا برای ورود به یک رابطه شخصی طراحی شده‌اند. بنابراین این بخشی از نقشه خداست.

بخش دوم نقشه خداوند، تولید مثل و تولید مثل است. بخش سوم، مدیریت مسئولانه برای حکومت بر آنچه خداوند آفریده است، یعنی جهان خاکی، خواهد بود. بنابراین، این اولین برنامه‌ای است که خداوند در ذهن دارد.

این یک فرمان خلقت است که توسط خدا برای برکت دادن طراحی شده است، و او این کار را داوطلبانه و از روی عشق و مراقبت خود از کسانی که به تصویر خدا آفریده شده‌اند، انجام داده است. یک نقشه دوم وجود دارد که توسط خدا ضروری است زیرا در باغ والدین اولیه ما، آدم و حوا علیه خدا شورش کردند، از اعتماد به اینکه خدا نیکو و خیرخواه است، و نقشه‌ای داشت که برای برکت دادن آنها مناسب بود، امتناع ورزیدند. و بنابراین، در شورش آنها، این رابطه شکسته شد و مرد و زن در معرض مرگ و اخراج از باغ قرار گرفتند.

اما خدا اجازه نداد که آن شورش او را از انجام خواسته‌اش، آرزویش، و آن برکت دادن به خانواده بشری با رابطه با او، باز دارد. بنابراین، در فصل ۳ آیه ۱۵، در متن پیشگویی داوری علیه مار که در باغ، حوا، زن، را فریب داد تا علیه خدا گناه کند، و سپس مردی که عمداً و آگاهانه علیه خدا شورش کرد، این پیشگویی داوری را در آیه ۱۵ دریافت می‌کند. و من، یعنی خدا، بین تو، یعنی مار، و زن، بین نسل تو و نسل او دشمنی خواهم گذاشت.

او، آن مار است، آن نجات‌دهنده است، این نسل زن، سر تو را خواهد کوبید، و تو، آن مار، او را خواهی زد، آن پاشنه نجات‌دهنده است. حال، وقتی به آنچه در اینجا برنامه‌ریزی شده است نگاه می‌کنیم، توجه کنید که شامل یک میراث، میراث یا نسل مار، و زن است. و از زن این ناجی، این نجات‌دهنده، خواهد آمد که زن و همچنین مرد را نجات خواهد داد تا آنها بتوانند این رابطه مداوم، مستمر و درست را با خدا داشته باشند.

اما توجه داشته باشید که قرار است جنگی بین مار، که دشمن خداست، و دشمن زن و مرد در بگیرد. و این جنگ قرار است با شکست دادن مار توسط نجات‌دهنده به پایان برسد. بنابراین، گفته شده است که او سر شما را خواهد کوبید، و نجات‌دهنده ضربه مهلکی را به مار وارد خواهد کرد.

و تصویرسازی اینجا کاملاً واضح است، اینطور نیست؟ اینکه ماری در پای یک مرد یا زن روی زمین می‌خزد و با کوبیدن پاشنه‌اش بر سر او، سر مار را له می‌کند و مار را شکست می‌دهد و می‌کشد. اما با انجام این کار مار فرصتی برای ضربه زدن به پاشنه نجات‌دهنده خواهد داشت و این یک ضربه مهلک نخواهد بود، بلکه یک جراحت خواهد بود. و بنابراین، چیزی که ما متوجه می‌شویم این است که این پیشگویی، این پیش‌بینی وجود دارد، و باز هم، می‌توانید از اصطلاح جهت‌گیری آخرالزمانی به سمت آینده یک نجات‌دهنده آینده استفاده کنید.

ما از کتاب مقدس مسیحی می‌دانیم که این نجات‌دهنده خود خداست، که در شخص خداوند عیسی مسیح می‌آید، که آن مار را شکست می‌دهد، که ما به رسمیت می‌شناسیم که شیطان است، یا در عهد جدید، او شیطان نامیده می‌شود، که دشمن اصلی خدا و عشق خدا به مرد و زن است. سپس، به برنامه سوم می‌پردازیم. در برنامه اول، خدا هنوز می‌خواهد برکت دهد و از برکت دادن منع نخواهد شد.

همانطور که در فصل ۳، آیه ۱۵ می‌بینیم، او هر آنچه را که برای ایجاد آشتی لازم است، انجام خواهد داد اما تحقق این آشتی منوط به ظهور انسانی از نسل زن به عنوان نسل، فرزند زن، نجات‌دهنده بود. اما در اجرای این طرح متوجه می‌شویم که خداوند، از طریق تولید مثل، با ادامه دادن آن برکت، باعث تکثیر کامل گروه‌های قومی، ملت‌های مختلفی می‌شود که در فصل ۱۰ پیدایش و فصل ۱۱ توصیف شده‌اند. از فصل ۱۱ شجره‌نامه را از نوح تا ابراهیم می‌یابیم، ۱۱.

ابراهیم کسی است که داستان جهانی خانواده بشریت و ملت‌های آن، و همچنین یک داستان خاص، داستان پدران، اجداد ملتی که خدا خلق کرد، و آن اسرائیل است، را به هم پیوند می‌دهد. و بنابراین، اگر به فصل ۱۲ مراجعه کنید، این را برای اولین بار در آیات ۱ تا ۳ خواهید یافت. در این سه آیه، به طور اتفاقی پنج بار کلمه برکت را می‌بینیم. و بنابراین، آنچه ما کشف کرده‌ایم این است که این برکت شامل سه موردی است که قبلاً از برکت فصل ۱ پیدایش تکرار شده است.

بنابراین، در آیه ۱، خداوند به ابراهیم یا ابرام گفته بود، سرزمین، قوم و خانه پدرت را ترک کن و به سرزمینی که به تو نشان خواهم داد، برو. بنابراین، اولین چیزی که می‌خواهم به آن توجه کنیم این است که به وعده سرزمین اشاره شده است. و وقتی به آنچه در پیدایش ۱، آیه ۲۸ اتفاق می‌افتد فکر می‌کنید، برکت ذکر شده در آنجا از وعده حکومت ناشی می‌شود.

این قصد خداوند بر زمین، بر سرزمین است؛ سرزمینی که در اینجا مد نظر است، البته، سرزمین کنعان است. کنعان سرزمین ابراهیم و فرزندانش خواهد شد. و سپس در آیه ۲ آمده است که من شما را به ملتی بزرگ تبدیل خواهم کرد.

حال، ساختن یک ملت بزرگ به معنای جمعیت شماس است. و البته، این پژواکی از چیزی است که در پیدایش آیه ۲۸ نیز می‌یابیم، جایی که توصیه‌هایی برای تولید مثل داریم. و سپس با خواندن آن می‌گوییم، من تو را، ۱، برکت خواهم داد و نام تو را بزرگ خواهم ساخت.

بنابراین، این به آن رابطه‌ی عشق و عنایت و خیرخواهی خدا نسبت به ابراهیم و میراث او مربوط می‌شود. و سپس ادامه می‌یابد و می‌گوید: «تو یک برکت خواهی بود.» بنابراین اکنون از شخص ابراهیم به این گروه‌های مختلف مردمی، یعنی ملت‌هایی که در فصل دهم پیدایش فهرست شده‌اند، برمی‌گردد.

و من کسانی را که تو را برکت دهند، برکت خواهم داد و هر که تو را نفرین کند، نفرین خواهم کرد تا برکت برای سایر ملت‌ها به واکنش گروه‌های مختلف مردم نسبت به ابراهیم بستگی داشته باشد، زیرا خدای ابراهیم، خدای زنده و حقیقی، خدای اسرائیل، خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب است. و از نظر خوانندگان عهد جدید، این خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح خواهد بود. و بنابراین، یک رابطه درست با ابراهیم به فرد وسیله یا راهی برای داشتن رابطه با خدایی که خود را آشکار می‌کند، به ویژه به ابراهیم، می‌دهد.

در ادامه، می‌گوید که همه مردم روی زمین از طریق شما برکت خواهند یافت. و ما در مطالعات خود کشف خواهیم کرد که برکتی که می‌تواند توسط همه این گروه‌های مختلف مردمی، و به ویژه افرادی مانند من و شما، از جانب خدا دریافت شود، از طریق نسل ایده‌آل ابراهیم، آن نجات‌دهنده شگفت‌انگیز که در فصل ۳ آیه ۱۵ پیش‌بینی شده است، خواهد بود. بنابراین، به نظر من، پیام کاملاً واضح است.

خداوند نقشه‌ای برای برکت دارد. در امکان ارائه آن برکت وقفه‌ای وجود دارد زیرا مردم در باغ، والدین اولیه ما، آن رابطه را رد کردند. اما خداوند نقشه‌ای را برای نجات مرد و زن و همه انسان‌هایی که به درستی همانطور که می‌بینید، با وحی‌ای که از طریق میراث ابراهیم، فرزندان او داریم، مرتبط خواهند بود، تعیین کرد. و این در نهایت در نجات‌دهنده ایده‌آل، عیسی مسیح، پروردگار ما، نهفته است.

مورد بعدی ساختار کتاب پیدایش است. وقتی صحبت از تحلیل ساختار می‌شود، می‌توانیم از دو جنبه به آن نگاه کنیم. اول محتوا است.

روشی که اکثر مفسران و محققان کتاب مقدس محتوای پیدایش را از طریق آن تشخیص می‌دهند، دو بخش اصلی یا می‌توان گفت بخش‌ها است که عبارتند از فصل‌های ۱ تا ۱۱. فصل‌های ۱ تا ۱۱ مربوط به خانواده جهانی است. این فصل‌ها از خلقت به خلقت بشریت و سپس فرزندان مختلف و سپس گروه‌های قومی خانواده بشری می‌پردازد.

و بنابراین، این داستان، داستانی جهانی از خانواده‌ی بشری را برای ما روایت می‌کند. اما سپس متوجه می‌شویم که بخش اصلی بعدی، همان خانواده‌ی خاص است و آن فراخوان ابراهیم است که می‌خوانیم، و سپس فرزندان او. و این از فصل ۱۲ تا پایان کتاب، فصل ۵۰، خواهد بود.

در همین راستا، می‌توانیم هر یک از این دو بخش، یعنی خانواده جهانی و داستان‌های مردسالارانه، را به زیربخش‌هایی تقسیم کنیم. در مورد خانواده جهانی، چهار روایت قابل تشخیص است. روایت اول، آفرینش است.

دومی داستان باغ، آدم و حوا در باغ است. سپس داستان نوح و طوفان. و در آخر، داستان برج بابل در مورد خلقت ملت‌ها، گروه‌های قومی.

آفرینش، داستان باغ، داستان سیل، و سپس برج بابل. حال، به موازات این، چهار داستان در مجموعه مردسالارانه یافت می‌شود. و البته این داستان‌ها بر چهره‌های اصلی مردسالارانه تمرکز دارند.

اول، ابراهیم. دوم، اسحاق. و سوم، یعقوب.

و در آخر، یوسف. می‌خواهم نکته‌ی دیگری هم در مورد اسحاق بگویم. اگرچه اسحاق نقش مهمی در داستان پدران قوم دارد، اما او به اندازه‌ی ابراهیم، یعقوب و یوسف اهمیت ندارد.

اسحاق همیشه در سایه پدرش قرار دارد. او پسر ابراهیم است. و وقتی صحبت از یعقوب می‌شود، او در درجه اول به عنوان پدر یعقوب معرفی می‌شود.

بنابراین، می‌توان اسحاق را به عنوان یک روایت گذار در نظر گرفت که ابراهیم و سپس یعقوب را به هم پیوند می‌دهد. و از یعقوب دوازده پسر به دنیا خواهند آمد که پدر دوازده قبیله، دوازده قبیله اسرائیل هستند. توجه ویژه به یوسف معطوف شده است زیرا اراده یوسف در نجات، بقای خانواده یعقوب که از کنعان به مصر آمدند، بسیار مهم است، جایی که یوسف به مقام دوم در سرزمین مصر رسیده است و بر فرعون تأثیر خواهد گذاشت تا سرزمینی ویژه برای رشد قوم عبرانی فراهم کند.

بنابراین، ما چهار روایت در تاریخ جهانی، چهار روایت در داستان‌های پدرسالارانه داریم. راه دومی هم برای درک ساختار وجود دارد. و این ساختار رسمی است که توسط خود نویسنده ارائه شده است.

و اگر کتاب پیدایش را خوانده باشید یا قبلاً نام آن را شنیده باشید، احتمالاً با این عبارت آشنا هستید. و آن کلمه نسل‌ها است. و چگونه می‌تواند از این مناسب‌تر باشد، زیرا بخش زیادی از کتاب پیدایش به نسل‌ها و تبارشناسی‌ها مربوط می‌شود؟

«بنابراین، یازده مورد از این عبارت وجود دارد. و این عبارت اینگونه نوشته شده است: «اینها نسل‌های هستند. اگر مایلید به فصل دوم و سپس آیه چهارم نگاه کنید، اولین مورد از این عبارت را داریم».

اینها نسل‌های کتاب مقدس عبری هستند. کلمه عبری نسل‌ها از فعل مشتق شده است که به معنای تولید مثل، تولید مثل و به دنیا آوردن است. در فصل دوم، آیه چهارم آمده است که اینها نسل‌های آسمان‌ها و زمین در هنگام آفرینش آنها هستند.

حال، در بسیاری از ترجمه‌ها، مانند ترجمه‌ای که من پیش رو دارم، یعنی نسخه بین‌المللی جدید، از آنجا که «آنچه در ادامه می‌آید یک داستان است، نه یک شجره‌نامه، مترجمان مایلند ببینند که کلمه عبری «نسل‌ها» معنای وسیع‌تری از صرفاً معرفی یک شجره‌نامه دارد. این مقدمه همچنین می‌تواند یک داستان روایی را معرفی کند. و بنابراین ممکن است در فصل دوم، آیه چهارم، این نوع ترجمه را داشته باشید».

این روایت آسمان‌ها و زمین است، یا این داستان است، یا اگر آنچه در ادامه می‌آید روایتی از داستان یک شخص است، ممکن است چیزی شبیه داستان خانواده یا تاریخچه خانواده باشد. و این روشی است که این شرح می‌تواند یک شجره‌نامه را معرفی کند، یا همانطور که در اینجا می‌بینیم، داستان آدم و حوا در باغ عدن که از فصل دوم، آیه چهارم شروع می‌شود. بنابراین این یک راه، یک راه مفید است، و بسیاری از مفسران به این روش شروع می‌کنند.

در این مجموعه مطالعات، هم به محتوا و هم به توضیحات توجه خواهم کرد. این موارد را با هم ادغام خواهم کرد تا بتوانم از هر دو روشی که محتوا ساختار را منعکس می‌کند، بهره ببرم. مورد چهارم، بیابید در مورد آن صحبت کنیم: اول، عنوان انگلیسی، پیام اصلی؛ دوم، ساختار؛ سوم، و اکنون شماره چهار، زمینه اسفار پنجگانه.

و همانطور که احتمالاً می‌دانید، اسفار پنجگانه یک اصطلاح یونانی است که به مجموعه‌ای از پنج کتاب اشاره دارد. و این شامل پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه می‌شود. و این به عنوان یک مجموعه متمایز دیده می‌شود زیرا این پنج کتاب در کنار هم قرار می‌گیرند.

و بگذارید توضیح دهم که چگونه این اتفاق می‌افتد. اصطلاح عبری که برای کتاب مقدس عبری استفاده می‌شود، تورات است که به این پنج کتاب اول اشاره دارد. در کلمه تورات، این در واقع یک آوانگاری است، نه ترجمه یا آوانگاری کلمه عبری.

و به طور کلی، به معنای قانون ترجمه می‌شود. بنابراین، تورات یک اسم است و با فعل عبری یارا به معنای آموزش دادن مرتبط است. بنابراین، ایده اصلی تورات، آموزش است.

فکر می‌کنم این روش بهتری برای اشاره به تورات است، اگرچه ترجمه‌های شما معمولاً تورات را به عنوان قانون ترجمه می‌کنند. بهتر است آن را گسترده‌تر از قانون در نظر بگیریم، زیرا معمولاً وقتی امروز به قانون فکر می‌کنیم، به قوانین قانونگذاری یا دادگاه‌های حقوقی فکر می‌کنیم. وقتی کلمه تورات کاربرد گسترده‌تری دارد، ممکن است به مجموعه‌های حقوقی اشاره داشته باشد و همینطور هم هست.

اما ممکن است به طور کلی به آموزش یا تعلیم نیز اشاره داشته باشد. بنابراین، کلمه تورات معانی مختلفی دارد و به زمینه خاص بستگی دارد. همانطور که گفتم، معمولاً برای مفهوم قانون استفاده می‌شود.

و از آنجایی که مجموعه‌های حقوقی گسترده‌ای در اسفار پنجگانه وجود دارد، می‌خواهم دوباره تأکید کنم که قوانین و مجموعه‌هایی از قوانین در اسفار پنجگانه وجود دارد. با این وجود، تورات گسترده‌تر از این است. در متون دیگر، کلمه تورات به معنای آموزش به این معنای کلی است.

بنابراین، اگر این دو، یعنی مجموعه‌ها یا پیکره‌های قانونی، و از این رو ایده قانون را با هم در نظر بگیرید، و سپس آن را در کنار ایده آموزش، یعنی آموزش به معنای کلی و گسترده آن قرار دهید، فکر می‌کنم در مجموع، تورات را می‌توان به سادگی، و من از گیومه استفاده می‌کنم، به عنوان راه خداوند درک کرد. راه خداوند به کاربرد و آموزش فرامین خداوند اشاره دارد. بنابراین، به نظر من، شیوه بیان خداوند به درستی ایده سبک زندگی یک فرد را به تصویر می‌کشد.

درست همانطور که ما از استعاره برای راه رفتن استفاده می‌کنیم، نحوه راه رفتن، راه رفتن هر کس در زندگی به سبک زندگی او مربوط می‌شود. و بنابراین، آنچه بر کسانی که وارد این رابطه با خدا می‌شوند، یعنی آموزه‌های خدا، دستورالعمل‌های او، اطلاق می‌شود، حتی می‌توانیم بگوییم زیرا او این کار را از روی عشق و مراقبت خود برای افرادی که به عنوان مربی شکل می‌دهد و با آنها تعامل دارد، انجام می‌دهد. او مربی است.

او به آنها آموزش می‌دهد که چگونه زندگی کنند تا پربرکت‌ترین، مرفه‌ترین و بهترین زندگی را داشته باشند، زندگی‌ای که در آن از زندگی برکت‌دهنده، یعنی راه خداوند، پیروی می‌کنیم، به این معنی که سبک زندگی‌ای وجود دارد که با شخص خدا، شخصیت خدا مطابقت دارد و سپس با دریافت برکت او، او را خشنود

می‌سازد. حال، نکته جالب در مورد پیدایش این است که مجموعه بزرگی از قوانین ندارد. در درجه اول روایت‌ها و سپس، البته، تبارشناسی‌ها است.

وقتی صحبت از روایت‌ها می‌شود، به جای ارائه دستورات خاص، کاری که از طریق روایت انجام می‌دهد توصیف و به تصویر کشیدن زندگی در مسیر خداوند است. در اینجا بخشی وجود دارد که این گفتگو را به تصویر می‌کشد، زمانی که خدا و ابراهیم درگیر گفتگو هستند و باید در چارچوب آن، آنچه خدا برای سدوم و عموره به دلیل شرارتش، یعنی نابودی سدوم و عموره، برنامه‌ریزی کرده است، انجام شود. و بنابراین، خدا تا حدودی با بلاغت، می‌گوید که قرار است آنچه را که قرار است در سدوم و عموره اتفاق بیفتد، به ابراهیم آشکار کند.

دلیل اصلی این است که یکی از اقوام، برادرزاده‌اش ابراهیم، در سدوم زندگی می‌کند و در معرض آسیب خطر و سختی است. و بنابراین برای این برادرزاده راه فراری فراهم خواهد شد: فصل ۱۸، آیه ۱۹.

زیرا من برگزیده‌ام، اینجا خدا با فصاحت از ابراهیم صحبت می‌کند، من او را برگزیده‌ام. به عبارت دیگر، من تو را برگزیده‌ام، ابراهیم، تا ابراهیم فرزندان و خانواده‌اش را هدایت کند. ببینید که چگونه این ایده میراث شجره‌نامه، وعده یک نجات‌دهنده آینده را به ارمغان می‌آورد، تا او فرزندان و خانواده‌اش را پس از خود هدایت کند تا راه خداوند را حفظ کنند، و این عبارت ماست، تا راه خداوند را حفظ کنند. چگونه؟ انجام آنچه درست و عادلانه است.

بنابراین، این سبک زندگی‌ای است که ما از آن صحبت می‌کنیم که با شخصیت خدای عادل و درستکار، مطابقت دارد، تا خداوند آنچه را که به ابراهیم وعده داده است، برای او به ارمغان بیاورد. بنابراین همانطور که از طریق پیدایش پیش می‌رویم، آن را به عنوان روایتی در نظر بگیرید که تصویری از آنچه خدا، به طور خاص در مجموعه قوانین کتاب‌های بعدی، خروج یا تثنیه، فرمان خواهد داد، ارائه می‌دهد. بنابراین ما دو نوع ادبی داریم، شجره‌نامه‌ها و روایت‌هایی که بر پیدایش غالب هستند، اما شعر و دعاها را نیز در پیدایش خواهیم یافت.

«حال، می‌خواهم در مورد آنچه ادبیات رپی در مورد پنج کتاب اول کتاب مقدس، که «کتاب‌های موسی نامیده می‌شوند، می‌گوید صحبت کنم. در ادبیات رپی، که تقریباً از ۲۰۰ سال قبل از میلاد تا ۴۰۰ میلادی را شامل می‌شود، حالت جمع، «کتاب‌های موسی»، بیشتر از حالت مفرد استفاده می‌شود، اما وجود دارد حالت مفرد، «کتاب موسی»، نشان دهنده وحدت طرح روایی است که از خلقت در پیدایش ۱ تا مرگ و دفن موسی، که در تثنیه فصل ۳۴ به آن اشاره شده است، ادامه دارد.

و وقتی شخصیت کلیدی انسان، یعنی موسی را در نظر می‌گیرید، می‌بینیم که تورات، تحت سلطه این شخصیت است، زیرا او در فصل دوم خروج متولد می‌شود و زندگی او سپس تمام خروج، لاویان، اعداد و تثنیه را در بر می‌گیرد و سپس مرگ و تدفین او را در پایان تثنیه ۳۴ داریم. حال، این دوره چقدر طول می‌کشد؟ خب، طول عمر او ۱۲۰ سال است، بنابراین نقطه کانونی وحی‌ای است که در کوه سینا به اسرائیل داده شد، که از خروج ۱۹ آغاز می‌شود و تا پایان خروج و کتاب لاویان، تمام لاویان و سپس تا اعداد ادامه دارد، پس از آن می‌بینید که مردم سینا را ترک می‌کنند و به سمت کنعان می‌روند. بنابراین تمرکز ۱۰:۱۰ بر این است که چگونه داستان موسی، تورات، با پیدایش مرتبط است. و آنچه کشف خواهیم کرد این است که کتاب پیدایش نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند، زیرا به قوم اسرائیل درکی از چگونگی جایگاه آنها در طرح کیهانی خداوند برای برکت بشریت و ملت‌ها می‌دهد.

و بنابراین ما در جلسات آینده با جزئیات بیشتری به این سؤالات خواهیم پرداخت. بنابراین، پیدایش را می‌توان تفسیر کرد، و به نظر من باید تفسیر شود، در چارچوب وحی‌ای که در سینا داده شده است، زیرا این

فضای برجسته‌ای است که به اسفار پنجگانه، خروج تا تثنیه، داده شده است. بنابراین، می‌توانیم به آن مجموعه فیلم، بازگشت به آینده، فکر کنیم و اینگونه است که باید پیدایش و رابطه آن با اسفار پنجگانه را درک کنیم، زیرا اولین مخاطبان کل اسفار پنجگانه، نسلی بودند که با موسی در بیابان بودند.

و بنابراین، به عنوان نسلی که وحی را در کوه سینا تجربه کرده بودند، می‌توانستند پیدایش را با نگاه به زمان خودشان درک کنند. کاری که پیدایش انجام می‌دهد، پیش‌بینی یا پیش‌آگاهی از چیزی است که خودشان، یعنی آن نسل اول، تجربه می‌کنند. بنابراین آنها آن وحی را تجربه کرده‌اند، که شامل ده فرمان، ساخت خیمه، عبادت در آن خیمه و سپس رهبری روح خدا از طریق موسی در حالی که در بیابان قدم می‌زدند و سرگردان بودند و سپس در نهایت به مرز سرزمین کنعان رسیدند.

بگذارید فقط یک مثال سریع از آن برایتان بزنم و آن پیام الهیاتی اینجاست که خدای بنی‌اسرائیل یک خدای خانوادگی یا یک خدای ملی نیست، بلکه او خدای خلقت است. یکی از راه‌هایی که این موضوع القا و تلویح می‌شود، تکرار در خلقت است که در آن خدا، در 10 مورد، روایت می‌گوید، خدا گفت، خدا گفت، خدا می‌گوید. گفت. سپس، ده فرمان را در سینا می‌یابیم، جایی که خدا نیز ده فرمان را بیان می‌کند.

مفهوم این است که ایده این است که خدای اجداد آنها، ابراهیم، اسحاق و یعقوب، خدای آنها، که با آنها تعهدی، پیمانی را شکل داده است، در آنجا شما رابطه‌ای دارید که بیان می‌کند او فقط یک خدای محلی نیست و در همان صحنه با تمام خدایان دیگر در جهان باستان قرار دارد، بلکه او خدای واحد حقیقی خلقت است و با اقتدار با خلقت سخن می‌گوید. و در سینا، او با اقتدار سخن می‌گوید و یک ملت جدید، یک گروه قومی جدید، اسرائیل، را خلق می‌کند.

حال، بیایید توجه خود را به نویسندگی در صحنه معطوف کنیم. وقتی صحبت از نویسندگی در صحنه می‌شود، می‌توانیم صحنه‌ای داشته باشیم که ارائه خود کتاب است، اینکه دوره زمانی چیست، همانطور که روایات به ما نشان می‌دهند که وقایع در چه زمانی اتفاق می‌افتند و کجا اتفاق می‌افتند. البته، داستان‌های اولیه، مانند برج بابل قبل از زمان ابراهیم، را نمی‌توان با اطمینان تعیین کرد. اما وقتی صحبت از پدران مقدس، ابراهیم، اسحاق و یعقوب می‌شود، به دلیل شواهد داخلی که از درون خود کتاب مقدس و سپس شواهد خارجی که از آنچه توانسته‌ایم از نظر زبان و فرهنگ از خاور نزدیک باستان بازبازی کنیم، به دست آمده است، ما درک نسبتاً خوبی از بازه زمانی دوره پدران مقدس داریم.

این تقریباً از ۲۲۰۰ قبل از میلاد تا ۱۵۵۰ قبل از میلاد خواهد بود. ۲۲۰۰ قبل از میلاد تا ۱۵۵۰ قبل از میلاد. حال، وقتی صحبت از زندگی موسی و سفر بنی‌اسرائیل به کنعان می‌شود، این دوره در طول ۱۴۰۰ قبل از میلاد و تقریباً می‌توانیم بگوییم ۱۴۵۰ قبل از میلاد بوده است.

اوضاع سیاسی در زمان پدران مقدس به این صورت بود که پادشاهان کوچک، دولت-شهرهای کوچک و پادشاهان کوچک متعددی وجود داشتند که در سراسر سرزمین این پادشاهی‌های کوچک پراکنده بودند. به عبارت دیگر، بعداً با امپراتوری‌های بزرگ مصریان، هیتی‌ها و بابلی‌ها روبرو خواهیم شد که بر منطقه کنعان تسلط داشتند. اما در این دوره اولیه، شواهد خارجی روشن می‌کند که نام‌های شخصی و نام مکان‌ها با نام‌های کتاب مقدس آن دوره مطابقت دارد.

و ما آداب و رسومی را که ذکر کردیم داریم که در دنیای باستان یافت می‌شوند. یک نمونه از این آداب و رسوم که در کتاب مقدس یافتیم، این رسم است که اگر یک پدرسالار، رئیس خانواده، پسری نداشت که دارای‌های مختلف پدرسالار را به ارث ببرد، آن پدرسالار می‌توانست خدمتکاری را در خانه خود به عنوان گیرنده به فرزندی بپذیرد. این همان چیزی است که ابراهیم پیشنهاد داد؛ اگر شاید فصل ۱۵ پیدایش را خوانده باشید، خدمتکار او، الیعازر، الیعازر را به عنوان کاندیدایی برای وارث یا نواده ابراهیم معرفی کرد.

و بنابراین، خواهیم دید که خداوند این نقشه‌ای را که ابراهیم پیشنهاد می‌دهد، رد می‌کند. بنابراین، بر این اساس، می‌توانیم بگوییم که داستان‌های مربوط به پدران مقدس به خوبی با آنچه ما در این دوره زمانی از ۱۵۵۰ قبل از میلاد می‌دانیم، مطابقت دارد. ممکن است وقتی صحبت از زبان باستان‌شناسی ۲۲۰۰ می‌شود که برای این دوره استفاده می‌شود، یعنی اوایل عصر برنز تا اواسط عصر برنز، برایتان جالب باشد.

اما خاستگاه چیست؟ خاستگاه این است که چه کسی پیدایش را در اسفار پنجگانه نوشته است. خب، باید با این جمله شروع کنیم که وقتی صحبت از خاستگاه می‌شود، کتاب پیدایش و کل اسفار پنجگانه ناشناس هستند. خب، طبق سنت، احتمالاً می‌دانید که جوامع یهودی و مسیحی اسفار پنجگانه، از جمله پیدایش، را به موسی نسبت داده‌اند. و حتماً انگیزه‌ای برای این کار وجود داشته است.

و در این پنج کتاب مقدس، خواهیم دید که موسی بر همه چیز تسلط دارد. اولاً، او به عنوان شاهد عینی در روایت‌های خروج تا تثنیه حضور دارد. علاوه بر این، بارها گفته شده است که او روایت‌هایی را در خروج تا تثنیه نوشته و جمع‌آوری کرده است که در یک کتاب نوشته شده‌اند، مانند شکست عمالیقیان در خروج آیه ۴. طومار عهد در خروج ۲۴، آیات ۴ تا ۸. ده فرمان در خروج ۳۴، آیه ۲۸، ۱۷.

برنامه سفر بنی‌اسرائیل در بیابان، اعداد ۳۱، آیه ۲. سپس سرود موسی در تثنیه ۳۱، آیات ۱۹ و ۲۲ آمده است. خود سرود در فصل ۳۲ تثنیه یافت می‌شود. و سپس کتاب شریعت آمده است.

و آن تثنیه ۳۱، آیه ۹، آیات ۲۴ و ۲۶ است. بنابراین، این بسیار محتمل است، فقط محتمل است، نه قطعی، که هسته اصلی اسفار پنجگانه توسط موسی نوشته شده باشد. اما همچنین، به‌روزرسانی‌ها، اضافات ویرایشی و اصلاحاتی بعد از زمان موسی انجام شده است.

واضح‌ترین مدرک برای این موضوع در مورد اسفار پنجگانه، البته شرح مرگ و دفن موسی در تثنیه فصل ۳۴ است. حتی در قرون وسطی، مشخص بود که باید اضافات و به‌روزرسانی‌هایی مانند نام مکان‌ها و ارائه اطلاعات تکمیلی وجود داشته باشد. این امر به خوانندگان کمک می‌کند تا درک بهتری داشته باشند.

مثال خوبی از آن در پیدایش ۳۶، آیه ۳۱ یافت می‌شود. پیدایش ۳۶ فهرستی از پادشاهان ادوم را ارائه می‌دهد. پادشاهان ادومی، از نوادگان عیسو.

در آنجا آمده است که این پادشاهان ادومی پیش از پادشاهان اسرائیل سلطنت می‌کردند. خب، البته در فصل ۳۶، در این دوره اولیه، هیچ پادشاهی در اسرائیل وجود نداشت. بنابراین، این باید در زمانی نوشته شده باشد که پادشاهان حضور داشتند، که به احتمال زیاد سلطنت در زمان داوود بوده است.

بنابراین، این پادشاهان اسرائیل تا قرن‌ها بعد ظاهر نمی‌شوند. اما افزوده‌ای که در اینجا توسط فردی متأخر توسط خواننده‌ای متأخرتر، انجام شده، برای به‌روزرسانی و قابل فهم‌تر کردن آن طراحی شده است. رابطه‌ی زمانی بین پادشاهان ادومی و سپس پادشاهان اسرائیل.

حالا، اگر موسی در واقع گردآورنده‌ی اصلی اسفار پنجگانه بوده، وضعیت او چگونه است؟ با توجه به اینکه او نمی‌توانسته شاهد عینی پیدایش باشد، با سفر پیدایش چه خواهیم کرد؟ این مربوط به قبل از زمان اوست. خب، فکر می‌کنم در سفر پیدایش اشاره‌ای به این موضوع وجود دارد که مجموعه‌ای از نوشته‌ها وجود داشته که می‌توانسته در دسترس موسی باشد. و ما یک مورد خاص در پیدایش ۵، آیه ۱ داریم. و اینطور نوشته شده است، پیدایش ۵، آیه ۱، این کتاب است، ببینید نوشته شده است، این ثبت نسل‌های آدم است.

حالا، وقتی به سراسر خاور نزدیک باستان نگاه می‌کنید، در هر ملتی یک حرفه کاتبی وجود داشت. به عبارت دیگر، سوادآموزی بسیار رایج بود. و بنابراین ثبت اسطوره‌ها، داستان‌ها، اسناد سلطنتی وجود داشت.

ما همچنین می‌دانیم که وقتی نوشته‌ها مقدس تلقی می‌شدند، حفظ و به نسل‌های بعدی منتقل می‌شدند. بنابراین مطمئناً، وقتی صحبت از داستان‌های اجدادی خانواده ابراهیم می‌شود، فکر می‌کنم اینها سوابق مکتوبی بودند که به نسل‌های بعدی منتقل می‌شدند. بنابراین این ممکن است به ما کمک کند تا درک کنیم که علاوه بر خاطرات شفاهی، ممکن است مجموعه‌ای از نوشته‌های معتبر و داستان‌های خانوادگی وجود داشته باشد که موسی می‌توانست به آنها دسترسی داشته باشد.

همچنین ممکن است مواردی وجود داشته باشد، همانطور که بعداً در اسفار پنجگانه می‌بینیم، زمانی که خدا صرفاً صحبت می‌کرد و مثلاً ده فرمان را می‌نوشت. و بنابراین ممکن است که خدا از طریق آن شکل از وحی مربوط به چیزهایی که موسی نمی‌توانست و شاهد آنها نبود، به موسی اطلاع داده باشد. بنابراین، وقتی صحبت از پیدایش می‌شود، به احتمال زیاد، فکر می‌کنم نویسنده پیدایش، هر کسی که باشد، دریافت‌کننده این موارد بوده و آنها را در روایتی قرار داده است که به عنوان مقدمه، یک مقدمه، راهی برای درک بهتر چگونگی قرار گرفتن خانواده پدرسالار، اسرائیل، در جدول ملت‌ها، کل طرح جهانی که خدا برای کل خانواده بشری در نظر دارد، عمل کند.

در جلسه دوم، درباره حساب آفرینش صحبت خواهیم کرد.

این دکتر کنت متیوز است که در حال تدریس کتاب پیدایش است. این جلسه اول، مقدمه است.